

دو پندار غلط، درباره ماهیت سیاست های داخلی و خارجی حاکمیت

## نه دولت سمت گیری مردمی دارد نه سیاست جنگی، علیه امپریالیسم است

دو پندار غلط، درباره ماهیت طبقاتی دولت احمدی نژاد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، اغلب موجب طرح سئوالاتی می شود که نشان دهنده وجود ابهام در شناخت این ماهیت و آن سیاست است. این ابهام گاه بر بحث های محافل توده ای نیز سایه می افکند. از جمله حرف ها و یا طرح های عوامفربانه ای که احمدی نژاد می زند و یا دولت او آنها را تصویب می کند. و یا ارزیابی درست از خطر تهاجم امپریالیستی به ایران، اما فراموش کردن ماهیت سیاست های حاکمیت و حتی زمزمه ضرورت دفاع از حاکمیت کنونی در برابر تهاجم امریکا!

حرف و سخن ما روشن و صریح است:

آن طرح هایی که ایجاد توهم کرده و یا می کند و عمدتاً نیز تاکنون از سطح حرف فراتر نرفته، عموماً اقتصادی و پولی است، چرا که سمت گیری سیاسی - فرهنگی دولت فاجعه بار تر از آنست که جای کوچکترین تردیدی باقی بگذارد. بحث ما هم اتفاقاً در همان عرصه اقتصادی است.

ما اعتقاد داریم، هیچ تحول مثبت اقتصادی بسود توده مردم، در جمهوری اسلامی، بدون دگرگونی اساسی در ساختار طبقاتی حاکم ممکن نخواهد شد. این ساختار ضد تولیدی، وابسته به واردات، متکی به فروش نفت و آلوده به فساد و رشوه و زدوبند مافیائی است. هر اندازه فضای سیاسی کشور بسته تر می شود، دگرگونی این ساختار دشوارتر می شود. تا جایی که می توان انفجارهای کور سیاسی - اقتصادی را پیش بینی کرد. مانورها و طرح هایی از قبیل ایجاد صندوق مهرالرضا، وام اشتغال زا، توزیع سماور و قوری و کاسه و بشقاب بین تازه عروس ها و یا کوتاه کردن دست یک گروه از غارتگرانی که ۲۷ سال بر صادرات و واردات و توزیع سلطه داشته اند، و سپردن سکان این کشتی به دست دزدان دریائی تازه نفس، تحت عنوان "بسیج سازندگی" و یا دعوت از دانشجویان بسیجی که علیه لیبرالیسم اقتصادی فریاد بکشید، (سخنرانی هفته گذشته احمدی نژاد) اما در عمل چهار نعل در جاده خصوصی سازی حرکت کردن و انواع این سخنان و طرح ها، کوچکترین تغییری در ماهیت سمت گیری اقتصادی و ساختار طبقاتی حاکمیت نداده و نمی دهد. دولتی که در کارنامه یکسال و نیمه اش ۴۰۰ هزار کارگر بیکار شده ثبت است، دولتی که حتی تحمل تشکل های نیمه حکومتی کارگری را ندارد و قانون کار نیمه جان کنونی را طبق نسخه فرمایشی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می خواهد تغییر بدهد و با نیروی انتظامی به مقابله کارگران معترض و بیکار شده می رود و به بهانه ذخیره سازی و پیش بینی محاصره اقتصادی بر میزان واردات محصولات کشاورزی افزوده و خواب ویرانی کامل روستاها را می بیند و... هر شعار عوامفربانه ای هم که بدهد، نباید بتواند نیروهای مترقی و خواهان تحولات اساسی در ایران را بفریبد. مقابله با تشکل های دانشجویی و سازمان های غیر دولتی و سندیکاها و ... همگی ادامه همین ارزیابی است.

همین دولت، با ترکیب نیمه نظامی خود، از شعار "به ما حمله کنید" پیروی می کند، که باصطلاح سیاست کلان خارجی جمهوری اسلامی است و رهبر، به تائید همگان، بر آن اشراف کامل دارد.

سیاست جنگی و در واقع سیاست "به ما حمله کنید"، با سنگر گرفتن پشت تولید انرژی اتمی، عملاً خطر خیزترین و ضد ملی ترین سیاستی است که حاکمیت یکدست پیش می برد. ریشه های این سیاست که افزایش جهشی قیمت نفت و افزوده شدن بر توان مالی جمهوری اسلامی

عمیقا بدان دامن زده، پیش از آنکه سیاستی ضد امپریالیستی باشد (تصور غلطی که عده ای نسبت به آن دچار توهم شده اند)، سیاستی رقابتی در خاورمیانه و خواب و خیال رهبری جهان اسلام و حتی جهان سوم است. یعنی صدور جمهوری اسلامی. این خواب و خیال در آخرین سخنرانی فرمانده کل سپاه پاسداران، در سخنان نماینده جدید رهبر در سپاه پاسداران و پیش از این هر دو، در مصاحبه حسین شریعتمداری نماینده رهبر در موسسه انتشاراتی کیهان با مجله نیوزویک منعکس شد. از جمله این سخن صریح فرمانده کل سپاه که رهبر جمهوری اسلامی را شایسته رهبری جهان سوم و جهان اسلام اعلام کرد. (سخنرانی هفته گذشته رحیم صفوی در برابر فرماندهان سپاه).

ما چنین سیاست و چنین توهماتی را، که همراه است با باز گذاشتن دست بزرگ ترین شرکت های نفتی در ایران و یا قبول خصوصی سازی تا حد نفی قانون اساسی (فرمان اخیر رهبر) که برنامه مستقیم بانک جهانی است، نمی توانیم سمت گیری ضد امپریالیستی تلقی کنیم. به همین دلیل در دوران اخیر، هرگاه که صحبت از فعالیت اتمی در ایران شده، ما قبل از آنکه منتقد تولید بمب اتم در ایران باشیم، منتقد سیاست جنگی حاکم بوده ایم و در آینده نیز خواهیم بود. شعار و پیشنهاد "جبهه صلح- علیه جنگ طلبی" را نیز که از ابتدای روی کار آمدن دولت احمدی نژاد اعلام داشتیم بر خاسته از همین ارزیابی است. عکس یادگاری در کنار رهبر ونزوئلا "چاوز" گرفتن و یا سفر به کوبا و یا ونزوئلا معیار ما برای شناخت ماهیت دولت و حاکمیت باصطلاح یکدست کنونی نیست. همچنان که گسترش دامنه فعالیت صندوق ها و کمیته های مالی- معیشتی (مانند صندوق مهرالرضا، که کپی برداری از همین نهاد توسط اخوان المسلمین در کشورهای عربی است) هرگز نمی تواند مانع دیدن هدف دولت از عقب راندن سازمان تامین اجتماعی و بردن مردم غارت شده و فقیر زیر پوشش این گداخانه ها و وابسته کردن آنها به خویش بشود.

بدین ترتیب، بحث نه بر سر باورها و یا عوامفریبی های احمدی نژاد و دولت او و یا حامیان وی، بلکه بر سر ماهیت سمت گیری های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی چنین دولتی است و حمایت و یا مقابله با آن به این ماهیت باز می گردد نه به شکل و شمایل خوب و یا بد احمدی نژاد و یا فلان وزیر و یا روحانی. همچنان که مخالفت با سیاست جنگی حاکم پیش از آنکه مخالفت با این فرمانده و یا آن فرمانده و یا به تمسخر گرفتن این و یا آن سخنان این فرماندهان و یا روحانیون و از جمله رهبر و امام جمعه ها باشد، مخالفت با یک سیاست خانمان برانداز است. این مشی و این سیاست، برای توده ای ها باید از روز روشن تر باشد. مخالفت رهبری وقت حزب توده ایران با ادامه جنگ با عراق، پس از بازپس گیری خرمشهر از ارتش صدام حسین نیز همین ماهیت را داشت. ما هرگز نمی توانیم با جنگ طلبی موافقت کنیم و از آن تاسف بارتر آنکه، آن را سیاستی ضد امپریالیستی ارزیابی کنیم. اتفاقا این سیاست نیز مانند سیاست های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی دولت در خدمت امپریالیسم و در راس آن امریکاست.